

## سلاح‌ها و زره‌های هخامنشیان و ساسانیان

نگارش: دکتر منوچهر مشتاق خراسانی، مجله فرانا شماره تابستان ۲۰۰۶

شاهنشاهی‌های عظیم هخامنشی و ساسانی که برای قرن‌ها بر سرزمین‌های پهناوری حکومت می‌کردند از سوی سلحشورانی شجاع محافظت می‌شدند. این سلحشوران با استفاده از استراتژی‌های نظامی پیچیده و سلاح‌های تهاجمی و تدافعی خوش ساخت از یکپارچگی ملی ایران دفاع می‌کردند. در ادامه این مقاله به معرفی مختصر برخی از سلاح‌های مهم در این دوران‌ها می‌پردازیم:

### ارتش هخامنشیان:

ارتش هخامنشیان از سربازانی از نواحی مختلف ایران تشکیل شده بودند اما هسته اصلی ارتش سلحشوران ایرانی بودند. این سربازان از سرتاسر این امپراتوری پهناور می‌آمدند: از پارس، آسیای مرکزی تا دانوب. پس از پارسیان مادها بیشترین سرباز را در سپاه ایران داشتند و بسیاری از ژنرال‌های ارتش مادی بودند. نوشته‌های نویسندگان یونانی چون هرودوت، آریان و گزنفون اطلاعات مفیدی در رابطه با ارتش هخامنشیان در اختیار ما می‌گذارند، اما باید به خاطر داشت که نوشته یونانی‌ها در مورد ایرانیان عمدتاً مغرضانه است چرا که کشورشان در حال جنگ با هخامنشیان بود و آن‌ها سعی کردند با اغراق در مورد تعداد سپاهیان هخامنشی پیروزی‌های خودشان بر آن‌ها را برجسته‌تر جلوه دهند (Marsdon, 1964:37). متأسفانه بیشتر تالیفات، تنها روایت یونانیان را در نظر گرفته‌اند بنابراین اعدادی که در این گزارش‌ها آمده است بسیار مورد مناقشه و صرفاً حدس و گمان هستند. از طرفی ژوزف ویسهورف نگاهی متعادل و منصفانه به نبرد‌های هخامنشیان ارائه می‌کند (1993:25-148).

در طول نبرد فلاخن اندازه‌ان و کمانداران پیاده نظام در خط مقدم قرار می‌داشتند و سواره نظام سبک اسلحه و پیاده نظام سنگین اسلحه در دو طرف آن‌ها قرار می‌گرفتند تا آن‌ها را مورد حمایت خود قرار دهند. در آغاز نبرد فلاخن اندازه‌ها و کمانداران با پرتاب سنگ و کمان بر روی دشمن، خطوط آن‌ها را دچار آشفتگی می‌کردند، سپس پیاده نظام سنگین اسلحه که به نیزه و شمشیر مجهز بودند با پشتیبانی واحدهای سواره نظام از جناحین به دشمن حمله می‌کردند. این تاکتیک‌ها در برابر دشمنان آسیایی هخامنشیان به خوبی نتیجه می‌دادند اما در برابر آرایش جنگی به هم فشرده یونانیان و مقدونی‌ها چندان موثر نبود. واحدهای سنگین اسلحه هوپلایت‌های یونانی و فالانکس مقدونی با کمک نیزه‌های بلند آرایش به هم فشرده خود را حفظ می‌کردند و به این ترتیب از خود در برابر مهاجمان دفاع می‌کردند. یونانی‌ها که بدنشان با زره محافظت می‌شد در برابر تیرها و پرتابه‌ها آسیب چندانی نمی‌دیدند و می‌توانستند در نبردهای نفر به نفر پیروز شوند.

به نوشته ذکا<sup>۱</sup> آکیناکه یک شمشیر کوتاه به طول ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر بود و یکی از سلاح‌های عمده هخامنشیان به شمار می‌آمد (Zoka, 1971/1350:69). پوردوود<sup>۲</sup> (1969/1347:43) اظهار می‌کند کلمه ایرانی باستان برای آکیناکه مشخص نیست. پوردوود

---

<sup>۱</sup> یحیی ذکا یک ایرانشناس مشهور ایرانی و یکی از برجسته‌ترین باستان‌شناسان ایرانی بود که در رشته‌های ادبیات و باستان‌شناسی فارغ‌التحصیل شد. او پژوهش‌های دامنه‌داری در زمینه هنر ایرانی، باستان‌شناسی و تاریخ نظامی ایران انجام داد. او همچنین مدیر موزه هنرهای تزئینی ایران، مدیر کتابخانه ملی، مشاور وزارت فرهنگ و هنر بود و با موزه‌های نگارستان و رضا عباسی نیز همکاری داشت.

<sup>۲</sup> استاد پوردوود برجسته‌ترین ایران‌شناس ایرانی و اولین کسی بود که اوستا را به زبان پارسی ترجمه کرد

(1969/1347:43) از هرودوت که لشکرکشی خشایارشا به یونان در ۴۸۰ ق.م. را گزارش می کند نقل می کند خشایارشا بر روی پلی در هلسینتوس (داردانل)، برگ هایی در دریا ریخت، براتی را در جام زرین خود ریخت و خورشید را ستایش نمود و یک آکیناکه به عنوان هدیه به خدا در آب انداخت. قبضه این شمشیر تماما از چوب و تیغه آن از آهن (استخراج شده از مصر) بود و می توان آن را در موزه آشمولیان آکسفورد یافت.

### تصویر ۱ (سمت راست): یک آکیناکه از طلای خالص از موزه ملی ایران در تهران

**آکیناکه مادی و پارسی:** بر اساس سنگ نگاری های پارسه (تخت جمشید/پرسپولیس)، ذکا (1969/1347:1350:211) بین دو گونه این سلاح تمایز قایل است: الف) آکیناکه مادی ب) آکیناکه پارسی. آکیناکه های مادی از طریق ریسمانی که از "شکل گوش" غلاف شمشیر عبور می کرد در سمت راست بدن به کمر بند آویخته می شد. هنگامی که حامل آکیناکه بر اسب سوار می شد با به صورت پیاده نظام راهپیمایی می کرد، کمر بندی از انتهای غلاف آن را از آویخته شدن و تلو تلو خوردن باز می داشت (Zoka, 1971/1350:70). کوچ (2000:258) تصویر سنگی از تالار سه دروازه پارسه را نشان می دهد که بر روی آن نقش نگهبانی با آکیناکه مادی به چشم می خورد.

برخلاف آکیناکه های مادی، آکیناکه های پارسی زیر کمر بند و جلوی شکم جای می گیرد. دسته -شکل بسیار متفاوت از آکیناکه های مادی بود. بخش پایین "شکل گوش" شمشیر و تمام سر غلاف به صورت سه نیمدایره ساخته می ساختند تا شمشیر به آسانی از کمر نیافتند. آکیناکه پارسی -ته غلاف برجسته ندارد بلکه غلاف آن مثل تیغ در انتها تیز می شود.

آکیناکه های هم از طلای ناب و با تزئینات زیبا وجود داشت. برتون (1987:212) به نقل از گزنفون گزارش می کند، هدیه سلطنتی ایران یک آکیناکه طلائی، یک اسب نسایی با افسار طلائی و دیگر ادوات جنگی بود. یک آکیناکه طلائی مجلل (شماره ثبت موزه ۱۳۲۲) از دوران هخامنشیان در موزه ملی ایران در تهران نگهداری می شود (Muzeye Melli Iran 2011 را ببینید). هوت (1965:192:223) می نویسد این آکیناکه طلائی در همدان (هگمتانه) پیدا شد و قدمت آن به ۵۰۰ ق.م. باز می گردد. این قطعه مشابه آکیناکه ای است که در موزه هنر متروپولیتن در نیویورک وجود دارد (Sekunda, 1992:56).

**نیزه دار و نیزه ها:** واحد های نیزه داران از مهمترین واحد های ارتش هخامنشیان بودند و بالاترین درجه در ارتش نیز بر عهده یک نیزه دار بود (Pur Davood, 1969/1347:41).



بنا به گفته پورداوود (1969/1347:39) و تایید معطوفی (1999/1378:218)، نیزه در ونیداد، فرگرد ۱۷، بند ۴۳ با عنوان *آرشتایاشا* (ارشتی) آمده است. پورداوود با اشاره به سنگ نگاری نقش رستم، شرح می دهد که نیزه دار داریوش شاه گنوبروه (آرشتی بارا / spear bearer) خوانده می شد. سرنیزه های دوران هخامنشی از لحاظ شکل متنوعند. ذکا (1971/1350:64) بر مبنای سنگ نگاره های هخامنشی دو نوع کلی سرنیزه را تشخیص می دهد الف) سرنیزه های پهن و مشابه برگ درخت ب) سر نیزه های باریک و بلند به شکل برگ درخت بید. به نظر ذکا نیزه های هخامنشی از لحاظ درازا بر دو نوعند الف) نیزه های بلند که در کنار سپر از سوی واحد های سواره نظام و پیاده نظام استفاده می شد ب) نیزه های کوتاه (زوبین).



تصویر ۲- کتاب " جنگ افزارها و جوشن های ایرانی از دوره مفرغ تا قاجار " تألیف دکتر منوچهر مشتاق خراسانی برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی. سلاح ها، ابزارهای جنگی، فولادها، جنگ افزارها، جوانمردی و عیاری از دوره مفرغ تا بعد از اسلام، از مباحث کتاب است. از این کتاب در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی معتبر سراسر دنیا به عنوان یک منبع مهم در در این زمینه ها استفاده می شود

به گزارش هرودوت محور نیزه ایرانیان شش تا هفت پا (حدوداً دو متر) بودند و از چوب درخت زغال اخته ساخته می شدند. ذکا می افزاید نیزه ها به یک سیب کوچک ختم می شدند، برای همین به این نیزه دار ها "سیب بر" می گفتند. سکوندا (1992:6-7) توضیح می دهد که سیب برها بخشی از ده هزار نفر سرباز نجیب زاده گارد جاویدان بودند. هزار نفر از سربازان گارد جاویدان، حامل نیزه هایی با ته نیزه های طلایی بودند و از ارابه شاهنشاه محافظت می کردند و در زبان پارسی باستان *ارستیارا* خوانده می شدند (Sekunda, 1992:6-7). هزار سرباز دیگر نیزه ای با ته نیزه های نقره ای حمل می کردند (Zoka, 1971/1350:64). یک نیزه نیز با ته نیزه مفرغی در دره هویوک شمال سوریه کشف شده است.

تصویر ۳ (سمت راست) - ته نیزه برنزی از دوران هخامنشیان که در شمال سوریه امروزی پیدا شده است.



**و در: گرز یا تبرزین - پورداوود (1969/1347:45)** می نویسد گرز یکی از قدیمی ترین سلاح هاست که فرشتگان و ایزدان اوستا آن را به کار می برند. او در ادامه یادآوری می کند سلاح مورد علاقه بسیاری از پهلوانان استوره ای ایرانی مانند سام، گرشاسب و رستم گرز است و آن ها در به کار بردن آن مهارت داشتند. اوستا از انواع مختلفی از گرزها نام می برد. یکی از آن ها ودر خوانده می شود و در یسنا ۳۲، بند ۱۰ در آهونودگاه گاتا (فصل های ۲۸-۳۴) و در هوم یشت، یسنا ۹ (بند های ۳۰-۳۲) از آن یاد شده است. پورداوود (1969/1347:45) می نویسد اوستاشناسان در مورد این عبارت توافق ندارند، برخی عقیده دارند ودر یک نوع گرز است و برخی دیگر بر این باورند که ودر یک نوع تبرزین است. خود پورداوود بر این عقیده است که ودر احتمالاً نوعی گرز است. چرا که مطابق متون وداها به زبان سانسکریت سلاح ایزد هندی ایندرا گرز می است موسوم به ودر و از آنجا زبان های هندی و ایرانی ریشه مشترکی دارند، ودر باید به گرز اشاره داشته باشد.

اوستا از دو نوع گرز دیگر هم یاد کرده است: یکی ورزا که برای درهم شکستن استفاده می شود (اورمزد یشت، بند ۷۲؛ خورشید یشت، بند ۵؛ مهر یشت بند ۹۶؛ فروردین یشت، بند ۷۲ را ببینید) و دیگری گدها، برای پرتاب کردن (مهریشت بند ۱۰۱ و بند ۱۳۱ را ببینید) (به Pur Davood, 1969/1347:4 مراجعه کنید). گرز های گاوسر در دوران هخامنشیان کاربرد داشتند ضمن اینکه در حماسه های ایرانی هم اغلب از آن یاد شده است. هارپر (1985:247) به عنوان نمونه فریدون را ذکر می کند که چگونه او گرز گاوسری طراحی کرد و از آن در نبرد با ضحاک دیو سیرت بهره برد. رستم، گیو، اسفندیار و گرشاسب هم از این نوع گرز استفاده می کردند. در دوران ساسانیان، بهرام پنجم گرز گاو سرش را به کار برد تا تاج پادشاهی را از میان دوشیر در دام بگیرد. این سلاح در دوران بعد به صورت اسلحه ای نمادین و با اعتبار شاهان ایران درآمد.

ذکا (1971:1350:66) بر پایه گزارش های گزنفون و استرابون تاکید می کند نقش برجسته های پارسه سربازان هخامنشی را تبرزین به دست نشان می دهد. اما هرودوت گزارش کرد تنها سکاها تبرزین به کار می بردند. سر تبرزینی که در نقش برجسته ها به



Fig. 1: An excavated bronze sword from Marlik



Fig. 2: Bronze mace head with human beads from Marlik



Fig. 3: A bronze sword from Luristan



Fig. 4: A bronze sword with the engraved inscription, "Aburamazda"



Fig. 5: A golden akenakes from Achaemenian period



Fig. 6: An excavated Parthian sword



Fig. 7: A Sassanian sword with P-shaped scabbard fittings



چشم می خورد به شکل سر یک پرنده، احتمالاً اردک، است که تیغه تبرزین از منقار آن بیرون می آید. سمت دیگر سر تبرزین به یک شکل نیم دایره با دو میخ در انتهای آن ختم می شود که احتمالاً برای شکستن زره کارایی داشت. انتهای دسته چوبی آن به شکل V کنده شده است تا سرباز تبرزین را راحت تر به دست بگیرد (Zoka, 1971/1350:68).



**تصویر ۵- شمشیر مفرقی مربوط به ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد که عبارت "اوهرمزد" به زبان پارسی باستان و با خط میخی بر آن حک شده است. این شمشیر در موزه ملی ایران نگهداری می شود.**

**کمان ها:** به عنوان نماد پادشاهی و قدرت کمان ها نقش مهمی در ارتش هخامنشیان ایفا می کردند (Zuttermann, 2003:142). کمان و تبرزینهای آن در یک کماندان (گوریویی) حمل می شدند. ایرانیان از گروههای مختلف مثل ماد ها و پارس ها در لباس های ایرانی محلی خود یا جامه های سوارکاری کماندان حاوی تیر و کمان را با خود حمل می کردند. پادشاهان هخامنشی از کمان برای نشان دادن توانایی های رزمی و شجاعت خود در حین نبرد و نماد جایگاه خود استفاده می کردند. داریوش در بند ۹ فرمان خود می گوید "ورزیده هستم، چه با هر دو دست چه با هر دو پا، هنگام سواری خوب سواری هستم. هنگام کشیدن کمان، چه پیاده چه سواره، خوب کمان کشی هستم. هنگام نیزه زنی، چه پیاده و چه سواره، خوب نیزه زنی هستم." (Sharp, 1964/1343:85) را بنگرید.

## ارتش ساسانیان:

اردشیر اول اصلاحاتی در ارتش ساسانیان صورت داد. او یک ارتش دائمی تحت فرمان خود تاسیس کرد و درعین اینکه سیستم سوارکاری پارتیان (اشکانیان) را حفظ کرد، افسران ارتش را از ساتراپ ها و شاهزادگان و نجیب زادگان محلی جدا کرد. او یک سری اسلحه جدید از قبیل چند نوع زره و ادوات محاصره و قلعه گیری به ارتش معرفی و اضافه کرد.

زره های حلقوی از حلقه های به هم متصل شده و در زمان اردشیر اول تولید می شدند (اسواران ساسانی، دکتر کاو فرخ را ببینید). فرخ می نویسد اگر چه تولید زره های حلقوی سخت تر از زره های معمولی بود، اما مزایایی نسبت به زره های دیگر داشت. از جمله مقاوم تر، مانا تر و انعطاف پذیر تر بودند و همچنین اجازه می دادند حرارت بدن دفع شود که این در آب و هوای گرم بسیار اهمیت داشت. او اضافه می کند این نوع زره وقتی در ترکیب با زره های دیگر به کار می رفت موثرتر می شد. فرخ با نقل قول از بیور و شهبازی اشاره می کند یکی از دلایل شکست اشکانیان از ساسانیان در فیروزآباد این بود که اشاکایان بیش از حد بر زره های لایه لایه و فلسی تاکید داشتند در حالی که سواره نظام زبده ساسانیان علاوه بر آن زره های حلقوی هم می پوشیدند. دفاع موفقیت آمیز ساسانیان در برابر مهاجمین چادرنشین آسیای مرکزی و رومیان (غربی و شرقی) در عمل ثابت کرد که اصلاحات اردشیر موثر بودند. در دوران اردشیر اول یک کتاب راهنمای نظامی منتسب به او نگاشته شد که اکنون در دست نیست. از این کتاب در کتاب عربی الفهرست نام برده شده است که اثر یک ایرانی موسوم به ابن ندیم است و در نیمه دوم قرن دهم به رشته تحریر در آمد. ابن ندیم در فصل آثار مربوط به هنرهای نظامی از اثری با نام "هنر رزماوری و شیوه های فتح قلع ها و شهرها، به کمین نشستن، قرار دادن نگهبانان،

تحت فشار قرار دادن جاسوسان، فرستادن دسته های سربازان و پادگان زدن" یاد می کند. این کتاب بر اساس رساله هایی است که در قرن سوم میلادی برای اردشیر پسر پاپک نگاشته شده اند. عنوان عربی این کتاب الفروسیا الشمیتی می باشد (Zakey, 1956:163-4).



**تصویر ۶- سواره نظام سنگین پشتیبان/پشتیبان گارد سلطنتی (چپ) و شواره نظام جیانوسپار/چان سپار (راست). سواره نظام زبده ساسانیان موسوم به اسواران یا کاتافراکت ها نقش مهمی در پیروزی ایرانیان برابر رومی ها داشتند. کیبی رایت: دکتر کاوه فرخ**

ستون اصلی ارتش ساسانیان واحد های سواره نظام سنگین اسلحه موسوم به اسواران یا [کاتافراکت](#) ها بودند. فرخ (2005:13) می نویسد در اوایل دوران ساسانیان، نیزه سلاح تهاجمی اصلی اسواران بود. ذکا (1971/1350: 117) اظهار می کند کاتافراکت های ساسانی (نام دیگر اسواران) مجهز به نیزه چنان محکم و استوار بر زین اسب خود می نشستند که گویی به آن قفل شده بودند. آنها به مثابه دیواری در صف های اول ارتش می ایستادند. پشت آنها کمانداران و سپس فیل های جنگی (حربه ای که ساسانیان آن را اولین بار به کار بردند) می ایستادند. آنها در ردیف های متمرکز حمله می کردند و از سوی کماندارانی که به طور پیوسته به سوی خطوط دشمن تیراندازی می کردند پشتیبانی می شدند. ویسهورفر می نویسد فرمانده در وسط جای می گرفت و در حالی که از سوی سربازان برجسته نگهبانی می شد دستورات لازم را به سپاه خود می داد. این سواره نظام های سنگین اسلحه به نوبه خود از پشتیبانی کمانداران سوارکار سبک اسلحه حمایت می شدند که با نیروهای دشمن درگیر شده و آن ها را خسته می کردند. به اعتقاد نیکول (1996:20)، همانند دوران پارتیان، تعداد کمانداران سوارکار سبک اسلحه ده برابر اسواران بود. نیکول همچنین معتقد است سواره نظام سنگین اسلحه به ندرت می توانستند با حمله مستقیم پیاده نظام را در هم بشکنند. بنابراین سواره نظام سنگین اسلحه ساسانیان باید در دسته های نزدیک به هم حرکت و مانور می کردند که جلوی آن به خوبی از سوی ارتش محافظت می شد و پیاده نظام هم در کناره ها درگیر سواره نظام دشمن می شدند. نکته جالب دیگر این است که سواره نظام ساسانیان تا سال های آخر شاهنشاهی خود از رکاب استفاده نمی کردند.



**شمشیرها:** سنگ نگاره های ساسانیان در فیروزآباد او ۲ ، نقش رجب ۳ ، و نقش رستم ۱ ( Masia, 2000 را ببینید) شمشیرها را به عنوان نمادها و تمثیل های سلطنتی نشان می دهند. شمشیر ساسانیان مثل پارتیان دولبه و بلند بودند. به گفته گیرشمن (1963:295)، منابع ما در زمینه اسلحه های دوران ساسانیان بسیار کم هستند و اطلاعات اندکی در این زمینه به ما می دهند. این کمبود اطلاعات آکادمیک تا حدی از سوی آثار تیرارسیان پوشش داده شده اند که برخی فصل هایی که بوسیله مورخان ارمنی دوران ساسانیان در نیمه اول قرن پنجم نوشته شده اند را آورده است. این مورخین سه نوع اسلحه ای که همه نجیب زادگان ساسانی حمل می کردند را ذکر می کنند:

(الف) تور (شمشیر کوتاه) به کمر بند و سمت راست بدن وصل می شد،

(ب) سوسر (شمشیر بلند) که به کمر بند و سمت چپ بدن وصل می شد،

(ج) نرن (خنجر) به ران بسته می شد.

در پارسی ، شمشیر را سنه با شمشیر می خواندند و در متون پارسی میانه مانوی شمشیر نامیده می شد ( Mackinze, 1971 را بنگرید). بر پایه نمونه های باستانشناسی شمشیرهای ساسانیان در موزه های ایران، شمشیرهای ساسانیان را می توان به صورت زیر تقسیم بندی کرد:

(الف) شمشیرهای با محافظ دست صلیبی (دارای زائده ای به شکل صلیب در بالای دسته که از دست شمشیر زن محافظت می کند)،

(ب) شمشیرهای با نیام با زواید P-شکل (با یا بدون نقش پُر)،

(ج) شمشیر با نقش پُر و بدون زواید P-شکل و

(د) شمشیر دودستی (شمشیر بزرگی که برای استفاده از آن باید هر دو دست را به کار برد).

در این میان شمشیرهای با نیام و با زایده P-شکل قابل توجهند چرا که سمت بیرون این شمشیرها با نقش ها و الگو های پُر تزئین شده است، یعنی همان نگاره هایی که در سایر هنرهای تزئینی ساسانیان هم دیده می شود. هارپر (1978:84) از گیرشمن نقل می کند که طرح پُر را نماد پرنده ورگنا یکی از اشکال بهرام/ وِرْتَرَعْنَه ایزد پیروزی زردشتی می داند. (برای اطلاعات بیشتر در مورد وِرْتَرَعْنَه به خرده اوستا، ۱۴ بهرام یشت مراجعه کنید). سلحشوران ساسانی از نقش پُر بر روی دسته و نیام (غلاف) شمشیرها و زره خود استفاده می کردند تا از خود در برابر دشمنانشان محافظت کنند.

**تصویر ۷: یک شمشیر مربوط به اوایل دوران ساسانیان که از خاک درآمده است با محافظ دست صلیبی**

**نیزه ۵:** استفاده از نیزه ها از سوی واحدهای کاتافراکت های سنگین اسلحه به دوران هخامنشیان بازمی گردد. یک قمقمه قالبی سفالین از مقبره ای در کوا-کیر گن-کالا در ساحل آمودریا پیدا شد که نقش یک سوار کار نیزه دار بر خود دارد (Sekunda, 1992:29).

واژه باستانی ارشتی (نیزه) که از سوی هخامنشیان به کار می رفت در دوران ساسانیان به ارشت بدل شد. پورداوود (1347/39:1969) گفت ریشه کلمه در پارسی نو نیزه است. فرخ (13:2005) می نویسد نیزه های ساسانی را با دو دست گرفته و در سطح کمر نگه می داشتند.

**تبرزین:** ساسانیان تبرزین نیز به کار می بردند. الصراف (13:2002) می گوید تبرزین یک تیغ بزرگ و پهن و دسته نسبتاً بلندی داشت و سوارکاران ساسانی باید از بین تبرزین و گرز یکی را انتخاب می کردند چرا که حمل کردن هر دو با هم مایه زحمت و غیر ضروری است. الصراف اضافه می کند که در اسطوره ساسانیان، بهرام گور تبرزین (بنا بر روایت دیگر گرز گاوسر) را به عنوان تنها سلاح خود انتخاب می کند تا بتواند به تنهایی در برابر دو شیر گرسنه ایستاده و تاج پادشاهی را از میان اینها بردارد.

**کمان:** به سنت هخامنشیان و پارتیان کمان همچنان در دوران ساسانیان از اهمیت بالایی برخوردار بود. اجزای کمان ساسانیان به این شرح است: یک دسته به عقب رفته، کمان های نسبتاً کوتاه و خمیده، زانویی محکم با منحنی که در بالا بزرگتر از قسمت پایین آن است.

**جمع بندی:** سلاح های مختلفی در دوره های هخامنشیان و ساسانیان ایران مورد استفاده قرار می گرفت. خیلی از این سلاح ها نه تنها در میدان های جنگ کاربرد داشتند بلکه نماد های پادشاهی نیز بودند. یک بررسی جامع سنگ نگاره ها و اشیای هنری در کنار یافته های باستان شناسی تصویری روشن از تحول و توسعه این سلاح ها می دهد. به علت رویارویی های نظامی ایران با سایر مدنیات ها سلاح های نو معرفی شده و سلاح های موجود بهبود بیشتری یافتند تا بیشترین تاثیر را داشته باشند.



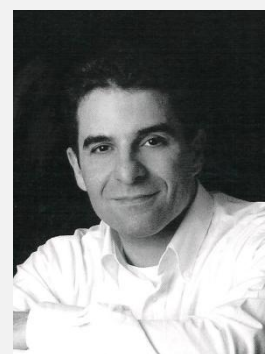
تصویر ۸- شمشیر ساسانی با نیام P- شکل و نقش پر

**یادداشت:** بر حجاری پله های شمالی های تالار بار عام آپادانا اسلحه دار داریوش شاه به چشم می خورد که آکیناکه های سلطنتی را حمل می کنند. بر سنگ برجسته های آپادانا نمایندگی های ملت های مختلف نیز دیده می شوند که یک پارسی در پیشاپیش آنها حرکت می کند و یک آکیناکه پارسی یا مادی همراه دارد.



تصویر ۹- شمشیر آکیناکه در نقش برجسته های پارسه

### در مورد دکتر منوچهر مشتاق خراسانی:



دکتر منوچهر مشتاق خراسانی مؤسس *Khorasani Consulting* و در برگزاری دوره های آموزشی و سمینار های مربی گری، مدیریت، سخنرانی عمومی و بین فرهنگی تخصص دارد. او در سراسر اروپا به زبان های انگلیسی، آلمانی و اسپانیایی در بلژیک، آلمان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، اسپانیا، سوئیس و انگلیس تدریس کرده است.

دکتر منوچهر مشتاق خراسانی مؤلف کتاب *Arms and Armor from Iran: The Bronze Age to the End of the Qajar Period* چاپ شده در ۲۰۰۶ است که به تحلیل موشکافانه جنگ افزارها و جوشن های ایرانی از دوران پیش از تاریخ تا آخر دوران قاجار می پردازد. این کتاب بر اساس ۸۰۰ منبع مکتوب دست اولیه و ثانویه بوده و برای نخستین بار در بردارنده بیش از ۵۲۰ اثر از موزه های ایران است. همچنین برخی آثار متعلق به مجموعه های خصوصی نیز در آن آمده اند. این کتاب که وی بیش از ده سال برای نگارش آن صرف کرد به عنوان برگزیده جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۹ در زمینه ایرانشناسی شناخته شد. سلاح ها، ابزارهای جنگی، فولادها، جنگ افزارها، جوانمردی و عیاری از دوره ساسانی تا بعد از اسلام، از مباحث کتاب است. از این کتاب در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی معتبر سراسر دنیا به عنوان یک منبع مهم در در این زمینه ها استفاده می شود.



کتاب دیگر دکتر خراسانی، "*Lexicon of Arms and Armor from Iran: A Study of Symbols and Terminology*" نام دارد که برای آن از صدها منبع دست‌نویس و گوهرنامه، جواهرنامه و شاهنامه استفاده کرده است. این کتاب با خطوط پهلوی، اوستایی و میخی نگاشته شده و لغت‌های قدیمی و فراموش شده فارسی نیز در آن ترجمه شده است. هدف او از نگارش این کتاب این است که خواننده بتواند پس از مطالعه این کتاب، کتاب‌هایی مانند شاهنامه را به راحتی مطالعه کند.

دکتر خراسانی همچنین بیش از هفتاد و سه مقاله به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی و آلمانی نگاشته است. او متخصص جنگ افزار در منطقه خاورمیانه است. و یکی از دغدغه‌هایش احیای هنرهای رزمی ایران باستان و مرام‌های جوانمردی و عیاری ایرانی است و اعتقاد دارد که سطح آگاهی جوانهای ما به حدی برسد که به جای تقلید الگوهای رزمی چینی، ژاپنی و کره‌ای، الگوهای مثل رستم و گیو و توس داشته باشند.

دکتر منوچهر مشتاق خراسانی مدرس هنرهای رزمی چون کنگک فو توآ، یاییجوتسو و کنجوتسو هستند. او همچنین دارنده کمر بند سیاه دان دو فول کنتاکت کاراته و کمر بند سیاه دان دو نام واه پای می باشد.

Farrokh, Kaveh. *Sassanian Elite Cavalry AD 224-642*. Oxford: Osprey Publishing Ltd. 2005

[اسواران ساسانی، نگارش دکتر کاوه فرخ](#)

Harper, Prudence Oliver. *The Ox-headed Mace in Pre-Islamic Iran*. . In: *Acta Iranica*, 24. 2ieme série, vol. X. *Papers in Honour of Mary Boyce*, pp. 247-259. 1985

Masia, K. *The Evolution of Swords and Daggers in the Sasanian Empire*. In: *Iranica Antiqua*, vol. Xxxv, pp. 185-289. 2001

Matufi, Assadollah.1999 (1378) Tarikhe Char Hezar Saleye Artesh Iran: Az Tamadon Ilam Ta 1320 Khorshidi, Jange Iran Va Araq (The four-thousand-year History of Iranian Military: From the Elamite Civilization to the Year 1320, The Iran, Iraq War). 2

چهار هزار سال تاریخ ارتش ایران: جنگ و جنگ آوری بر فلات ایران از تمدن ایلام تا ۱۳۲۰ خورشیدی / ۲ جلدی، نگارش اسدالله مستوفی (۱۳۷۸)

Muzeye Meli Iran 2001 (1380) Irane Bastan: Negahi be Ghanjineye Muzeye Meli Iran (The Ancient Iran: An Overview of the Treasure of The National Museum of Iran). Tehran:Sazmane Mirase Farhangi Keshwar.

موزه ملی ایران-ایران باستان: نگاهی به گنجینه موزه ملی ایران، تهران، میراث فرهنگی کشور (۱۳۸۰)

Pur Davood, Ebrahim. Zin Abzar (Armament). Tehran: Chakhaneye Artashe Shahanshahi. 1969 (1347)

زین ابزار: جنگ ابزارهای باستانی ایران، نگارش: استاد ابراهیم پوردادود (۱۳۴۷)

Zoka, Yahya. Arteshe Shahanshahi Iran Az Kurosh Ta Pahlavi (The Royal Army of Iran from Kurosh to Phalavi). Tehran: Chapkhaneye Vezarate Farhang Va Honar. 1971 (1350)

ارتش شاهنشاهی ایران از کوروش تا پهلوی (۱۳۵۰)، نگارش یحیی ذکا (۱۳۵۰)

[hessamoddin.wordpress.com](http://hessamoddin.wordpress.com): برگردان به پارسی